



University of Tehran Press

Research in the Scope of Tawaf

Mahdi Sajedi^{1*} | Hesam Al-Din Rabbani²

1. Corresponding Author, Department of Islamic Law, Faculty of Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran. Email: m_sajedi@ujas.ac.ir

2. Department of Jurisprudence and Law, Faculty of Islamic Studies, University of the Quran and Hadith, Tehran, Iran. Email: hesamrabbani921@yahoo.com

ARTICLE INFO

Article type:

Research Article

Article History:

Received: 25 December 2022

Revised: 19 November 2025

Accepted: 02 December 2025

Published online: 21 June 2026

Keywords:

Tawaf,

Mataf,

Maqam Ibrahim,

Kaaba,

Masjid al-Haram.

ABSTRACT

This research investigates the jurisprudential dispute concerning the spatial boundaries of *Tawāf*. Juridical opinions diverge between restricting *Tawāf* to the area between the Kaaba and Maqām Ibrāhīm and permitting it anywhere within the *Masjid al-Ḥarām*. Utilizing a descriptive-analytical approach and a critical examination of primary sources, this study reconciles conflicting narrations by validating the report of Muḥammad bin Muslim. The findings indicate that no inherent contradiction exists between the cited traditions. Instead, the study proposes that the validity of *Tawāf* is contingent upon fulfilling its ontological essence: the ritual must authentically manifest the act of “circumambulating the House.” While *Tawāf* may lack strictly defined spatial limits, the study concludes that performing it at excessive distances—when closer proximity is accessible—undermines the ritualistic integrity and the essential nature of the act.

Cite this article: Sajedi, M. & Rabbani, H. (2026). Research in the Scope of Tawaf. *Islamic Jurisprudential Researches*, 22, (2), 107-117.

<http://doi.org/10.22059/jorr.2025.351468.1009238>



© Authors retain the copyright and full publishing rights.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2025.351468.1009238>

Publisher: University of Tehran Press.



دانشگاه تهران

نشریه پژوهش‌های فقهی

شاپا الکترونیکی: ۶۱۹۵-۲۴۲۳

سایت نشریه: <https://jorr.ut.ac.ir/>

بازپژوهی در محدوده طواف

مهدی ساجدی^{*۱} | حسام‌الدین ربانی^۲

۱. نویسنده مسئول، گروه حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران. رایانامه: m_sajedi@ujsas.ac.ir

۲. گروه فقه و حقوق، دانشکده معارف اسلامی، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران. رایانامه: hesamrabbani921@yahoo.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۳۱

کلیدواژه:

طواف،

مطاف،

مقام ابراهیم،

کعبه،

مسجدالحرام.

در مورد محدوده طواف دو نظر عمده از فقیهان امامیه دیده می‌شود. برخی با استناد به روایت محمد بن مسلم معتقدند طواف باید بین کعبه و مقام ابراهیم انجام شود و خارج از این محدوده صحیح نیست. این نظریه از شهرت بین فقیهان امامیه برخوردار است. گروه دیگر با استناد به روایت صحیح حلی و رد سند روایت محمد بن مسلم معتقد شده‌اند طواف حد خاصی ندارد و مکلف می‌تواند در تمام مسجدالحرام طواف را انجام دهد. البته برخی طواف بعد از مقام ابراهیم را مکروه دانسته‌اند. نتایج این تحقیق، که با تحلیل ادله و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری صورت گرفته، حاکی است با تأمل در دو روایت مورد استناد طرفین و پذیرش روایت محمد بن مسلم می‌توان گفت تعارضی بین دو روایت وجود ندارد و ملاک صحت طواف صدق عنوان «طواف کننده خانه کعبه» بر مکلف با فاصله نداشتن با طواف‌کنندگان است. بنابراین مکلف نمی‌تواند مادامی که به راحتی می‌تواند در نزدیک‌ترین فاصله به کعبه و طواف‌کنندگان طواف کند با فاصله از آن‌ها به طواف بپردازد. زیرا در این صورت طواف‌کننده خانه کعبه بر او صادق نیست و در هر حال ملاک صحت طواف صدق این عنوان است.

استناد: ساجدی، مهدی و ربانی، حسام‌الدین (۱۴۰۵). بازپژوهی در محدوده طواف. پژوهش‌های فقهی ۲۲ (۲)، ص ۱۰۷-۱۱۷.

<http://doi.org/10.22059/jorr.2025.351468.1009238>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان

DOI: <http://doi.org/10.22059/jorr.2025.351468.1009238>



مقدمه

طواف در لغت به معنای احاطه کردن و دور چیزی چرخیدن است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲: ۲۲۵؛ خلیل بن أحمد، ۱۴۱۰، ج ۷: ۴۵۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۵۳۱). طواف در مصطلح فقه بر گرفته از همان معنای لغوی است با این تفاوت که از نظر فقها طواف فقط بر مصداق معینی از چرخیدن یعنی گردش به دور خانه کعبه همراه با شرایط خاص اطلاق می‌شود (طوسی، ۱۴۰۰: ۲۳۶).

بسیاری از شرایط طواف مورد اتفاق فقیهان امامیه قرار دارد، اما برخی از این شروط نیز مورد اختلاف است که از جمله می‌توان به شرط لزوم انجام دادن طواف در محدوده معین اشاره کرد؛ توضیح اینکه برخی از فقها معتقد شده‌اند طواف باید در محدوده بین کعبه و مقام ابراهیم^(ع) انجام گیرد. اما، در مقابل، عده‌ای دیگر بر این باورند که طواف حد خاصی ندارد و مکلف می‌تواند در تمام مسجدالحرام طواف را انجام دهد.

با توجه به اختلاف یادشده، لازم است اسناد شرعی مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود طواف به دور خانه کعبه باید در محدوده خاصی انجام شود به طوری که بدون پیشآمد عناوین ثانوی، مانند اضطرار و ازدحام جمعیت و مانند آن، در خارج از آن محدوده جایز نیست یا اینکه حد خاصی ندارد و مکلف می‌تواند در چرخش به دور خانه کعبه تا انتهایی‌ترین نقطه از نقاط هم‌سطح با صحن مسجدالحرام و حتی خارج از مسجد به طواف پردازد به این صورت که فرض شود مسجدالحرام به دیوارهای اطراف محصور نباشد و مکلف تا جایی که امکان چرخش به دور کعبه وجود دارد طواف کند، البته مادامی که از منطقه حرم خارج نشود.

بدیهی است در صورت اثبات عدم حد خاص برای مطاف، هر اندازه صحن مسجدالحرام توسعه یابد تأثیری بر حکم طواف ندارد، مادامی که در فواصل دورتر از کعبه طواف صادق باشد. اما در صورت اثبات حد خاص برای مطاف مانند محدوده بین کعبه و مقام ابراهیم^(ع) طواف در خارج از این محدوده جز با فرض پیشآمد عناوین ثانوی جایز نخواهد بود.

قبل از بحث از محدوده طواف، مناسب است اقوال فقها در این ارتباط را مورد واکاوی قرار دهیم.

اقوال فقها

در ارتباط با حد مطاف، دو نظریه عمده وجود دارد.

نظریه اول: لزوم انجام دادن طواف بین کعبه و مقام ابراهیم^(ع). قائلین به این نظریه معتقدند مکلف باید در حد فاصل ۱۲ متری از کعبه طواف را انجام دهد و نباید مقام ابراهیم^(ع) را در طواف خود داخل کند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۵۷ و ۱۴۰۰: ۲۳۷؛ ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۱: ۲۳۳؛ ابن زهره، ۱۴۱۷: ۱۷۲؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۱: ۵۷۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۸: ۹۳ و ۱۴۱۲، ج ۱۰: ۳۵۶؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ج ۸: ۱۳۰؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج ۱۹: ۲۹۵ و ۲۹۸؛ موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱: ۴۳۳؛ صافی، ۱۴۲۳، ج ۴: ۳۷).

البته برخی از قائلین به این نظریه معتقدند فاصله ۱۲ متر از طرف همه جوانب و اضلاع کعبه باید مراعات شود و از آنجا که طواف از پشت دیوار حجر اسماعیل صورت می‌گیرد محدوده طواف در قسمت حجر اسماعیل کاهش می‌یابد؛ مگر اینکه حجر اسماعیل نیز جزء خانه خدا محسوب شود که در این فرض دیوار حجر اسماعیل، در محاسبه فاصله معتبر، ملاک قرار می‌گیرد (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج ۱۹: ۲۹۸).

نظریه دوم: طواف حد معینی ندارد و مکلف می‌تواند در تمام مسجدالحرام طواف را انجام دهد. البته برخی معتقد شده‌اند طواف پشت مقام ابراهیم^(ع) و بعد از آن مکروه است (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۹۹؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۷: ۸۷؛ افتخاری، ۱۴۲۸، ج ۱: ۳۶۴ و ۳۶۵).

مستندات اقوال

قائلین به نظریه اول جهت اثبات نظر خود به دلایل ذیل استناد کرده‌اند.

روایت محمد بن مسلم از امام^(ع)

از حضرت در مورد حد طواف خانه کعبه سؤال کردم که اگر کسی از آن حد خارج شود، طواف کننده بیت محسوب نمی‌شود؟

فرمودند: «مردم در زمان رسول خدا(ص) به دور خانه و مقام ابراهیم طواف می کردند و حال آنکه شما اکنون بین مقام و خانه کعبه طواف می کنید. پس حد طواف از محل امروز مقام ابراهیم است. پس هر کس از آن بگذرد، طواف کننده به حساب نمی آید و حد طواف قبل از امروز با امروز یکی است و به اندازه فاصله بین مقام ابراهیم و خانه کعبه و از همه اطراف خانه کعبه به همین مقدار است. پس هر کس طواف کند و از اطراف خانه کعبه بیش از این مقدار دور شود، به دور غیر خانه کعبه گردیده و به منزله کسی است که به دور مسجد می گردد. زیرا در غیر حد طواف گردیده و طواف برای او محسوب نمی شود»^(۱) (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۱۰۸).

بررسی سند

روایت محمد بن مسلم که مورد استناد گروه اول قرار گرفته مضمهره است. زیرا مرجع ضمیر در فقره «سألته» نامعلوم است. با وجود این، خللی به این روایت وارد نمی شود. زیرا محمد بن مسلم از غیر امام^(ع) سؤال نمی پرسد. البته در سند روایت «یاسین ضریر» واقع شده که مورد اختلاف است. جناب نجاشی وی را چنین معرفی کرده است: «أبوالحسن موسی^(ع) را در بصره درک کرده و از ایشان روایت نقل نموده است و این کتابی که به وی منسوب است تصنیف اوست.» (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۵۳).
محقق خوبی نیز با استناد به کلام شیخ طوسی وی را دارای کتاب معرفی کرده؛ با این حال توثیقی در مورد وی نقل نکرده است (خویی، بی تا، ج ۱۳: ۳۵۸).

البته علامه مجلسی صحت احادیث نقل شده از وی را موجب اثبات حسن برای راوی دانسته (مجلسی، ۱۴۲۰: ۲۵۲) و جناب محقق داماد نیز معتقد است با توجه به عادت جناب نجاشی مبنی بر عدم تعرض به دین رواتی که امامی هستند می توان نتیجه گرفت که وی امامی و دارای مذهب صحیح است و چون احادیث نقل شده از او قوی است از اندیشمندان رجالی در حق وی مدح یا ذم نقل نشده است (حائری مازندرانی، ۱۴۱۶، ج ۷: ۶).
به هر روی، چنانچه حدیث محمد بن مسلم با استدلال های فوق در زمره احادیث صحیح قرار نگیرد، باز هم ضعف سند مانع از تمسک به آن نیست. زیرا، چنان که گذشت، این حدیث مورد عمل مشهور فقیهان امامیه قرار گرفته است. بنابراین باید دلالت آن را مورد تأمل قرار داد.

بررسی دلالت حدیث

قائلین به این نظریه معتقدند فقره «وَ أَنْتُمْ الْيَوْمَ تَطُوفُونَ بَيْنَ الْمَقَامِ وَ بَيْنَ الْبَيْتِ فَكَانَ الْحَدُّ مِنْ مَوْضِعِ الْمَقَامِ الْيَوْمَ فَمَنْ جَاَزَهُ فَلَيْسَ بِطَائِفٍ» به خوبی بر محدود بودن مطاق دلالت دارد. زیرا امام^(ع) به صراحت کسی را که بعد از مقام ابراهیم^(ع) دور خانه کعبه بگردد طواف کننده محسوب نداشته اند. به علاوه اینکه امام^(ع)، با استناد به سیره متشرعین موجود در عصر رسول خدا(ص) و با توجه به اعتبار آن در کشف حکم شرعی حد طواف، درصدد برآمده اند شبهه تفاوت حکم شرعی زمان خودشان را با زمان رسول خدا(ص) برطرف و بیان کنند مقام ابراهیم ملاک برای طواف است و در آن زمان و الان محدوده طواف محدوده ای است که بین بیت و مقام ابراهیم در زمان آن حضرت قرار داشته است.

اجماع

جناب شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۲۴) و ابن زهره (ابن زهره، ۱۴۱۷: ۱۷۲) از قدما در این مسئله ادعای اجماع کرده اند و نیز صاحب جواهر (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ج ۱۹: ۲۹۵) این مسئله را غیر اختلافی دانسته است.

۱. «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ يَاسِينَ الصَّرِيرِ عَنْ حَرِيْبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ حَدِّ الطَّوَّافِ بِالْبَيْتِ الَّذِي مِنْ حَرَجٍ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ طَائِفًا بِالْبَيْتِ؟ قَالَ: «كَانَ النَّاسُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَطُوفُونَ بِالْبَيْتِ وَ الْمَقَامِ وَ أَنْتُمْ الْيَوْمَ تَطُوفُونَ بَيْنَ الْمَقَامِ وَ بَيْنَ الْبَيْتِ فَكَانَ الْحَدُّ مِنْ مَوْضِعِ الْمَقَامِ الْيَوْمَ فَمَنْ جَاَزَهُ فَلَيْسَ بِطَائِفٍ وَ الْحَدُّ قَبْلَ الْيَوْمِ وَ الْيَوْمَ وَاحِدٌ قَدْرُ مَا بَيْنَ الْمَقَامِ وَ بَيْنَ الْبَيْتِ وَ مِنْ تَوَاجَى الْبَيْتِ كُلِّهَا فَمَنْ طَافَ فَتَبَاعَدَ مِنْ تَوَاجِيهِ أَكْثَرَ مِنْ مَقْدَارِ ذَلِكَ كَانَ طَائِفًا بِغَيْرِ الْبَيْتِ بِمَنْزِلَةِ مَنْ طَافَ بِالْمَسْجِدِ لِأَنَّهُ طَافَ فِي غَيْرِ حَدٍّ وَ لَا طَوَّافٌ لَهُ.»

۲. «و قال المحقق الداماد: قد علم من المعهود من دیدن النجاشی أنه إمامی مستقیم المذهب لنقله ما نقله من غیر غمیزة علیه فی دینه، و لیس فیہ من أئمة الرجال مدح و لا ذم، فإن حدیثه قوی، انتهى.»

قاعده احتیاط و اشتغال

بدین معنا که مکلف می‌داند یقیناً ذمه‌اش به انجام دادن طواف خانه خدا مشغول است و اگر در این فاصله از خانه خدا طواف خود را انجام دهد یقین به برائت ذمه از این تکلیف می‌یابد.

جناب شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۲۴)^۱ و ابن زهره (ابن زهره، ۱۴۱۷: ۱۷۲)^۲ و بسیاری از فقیهان متأخر (← موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ج ۸: ۱۳۱) و معاصر (← صافی، ۱۴۲۳، ج ۴: ۴۰) از جمله کسانی هستند که انجام دادن طواف در این حد را مطابق با احتیاط و موجب برائت ذمه مکلف از تکلیف برشمرده‌اند. فقیهانی که نظریه دوم را برگزیده‌اند نیز در اثبات رأی خود به روایت ذیل تمسک جسته‌اند:

روایت صحیح أبان از امام صادق (ع)

از حضرت در مورد حکم طواف پشت مقام ابراهیم (ع)^۳ سؤال کردم. فرمودند: آن را دوست ندارم و اشکالی هم در انجام دادن آن نمی‌بینم. چنین مکن؛ مگر اینکه چاره‌ای از آن نیابی (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲: ۳۹۹).^۴ روایت از نظر سند صحیح است. لکن برخی از فقها معتقد شده‌اند اعراض مشهور فقیهان امامیه از این حدیث مانع از عمل کردن به آن است (حسینی شاهرودی، ۱۴۰۲، ج ۴: ۳۱۳). از نظر دلالت نیز به خوبی دلالت دارد بر اینکه از نظر امام (ع)^۵ طواف از پشت مقام ابراهیم (ع) در حال اختیار جایز و البته مکروه است؛ مگر اینکه طواف‌کننده چاره‌ای از آن نداشته باشد که در این صورت کراهت منتفی است. کراهت طواف یادشده در حال اختیار از فقره «مَا أَحِبُّ دَلِکَ» با توجه به فقره «مَا أَرَى بِهِ بَأْسًا» قابل استفاده است. همچنین فقره «مَا أَرَى بِهِ بَأْسًا» دلالت دارد بر اینکه نهی مستفاد از «فَلَا تَفْعَلْهُ» تنزیهی است.

نقد و بررسی و بیان قول مختار

به نظر می‌رسد دلیل قابل استناد برای طرفداران هر دو نظریه منحصر در دو روایت پیش نقل شده است. زیرا، با وجود این دو روایت، اجماع مدرکی محسوب می‌شود و فاقد حجیت و صلاحیت لازم جهت استناد است. علاوه بر اینکه وجود فتاوی مخالف آن را از جهت صغروی نیز در تنگنا قرار می‌دهد.

همچنین، با وجود دو روایت مورد استناد در مسئله، نوبت به اصل عملی نمی‌رسد. بنابراین مناسب است به تحلیل دو روایت یادشده بپردازیم. البته مناسب است قبل از بررسی دو روایت مورد استناد فقها به آیه شریفه «ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لِيُوفُوا نُدُورَهُمْ وَ لِيُطَوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (حج / ۲۹) نیز توجه شود. در این آیه شریفه، به طور مطلق، طواف‌کنندگان، به طواف خانه خدا امر شده‌اند و طواف به حد خاصی محدود نشده است. بنابراین می‌توان از اطلاق آیه چنین نتیجه گرفت که طواف حد خاصی ندارد و در نتیجه موجب تقویت و ترجیح روایتی شود که برای طواف حد خاصی را قائل نیست. البته ممکن است گفته شود امکان استناد به اطلاق آیه شریفه وجود ندارد. زیرا آیه یادشده در مقام بیان حکم کلی وجوب طواف و اعمال حج است و به جزئیات طواف نظر ندارد؛ کما اینکه درصدد تشریح اصل تقصیر است و جزئیات آن را بیان نکرده است. به عبارت دیگر آیه شریفه از جهت بیان محدوده طواف در مقام بیان نیست؛ از این رو نمی‌توان از اطلاق آیه شریفه در اثبات حد مطاف بهره برد.

به هر روی، چنانچه اشکال یادشده مورد پذیرش قرار نگیرد، به طور حتم می‌توان محتوای آیه شریفه را موجب ترجیح روایت صحیح حلبی دانست. با وجود این لازم است دو روایت جداگانه مورد بررسی دلالی قرار گیرند.

چنانچه سند روایت محمد بن مسلم مورد پذیرش قرار نگرفته و نیز ضعف سند آن با عمل مشهور قابل جبران نباشد، به طور طبیعی، محدودیتی برای طواف اثبات نمی‌شود. اما، از آنجا که محدودیت طواف به حد خاص نظریه‌ای است که مطابق فتوای مشهور فقیهان امامیه است، چنین فهمیده می‌شود که عمده فقها از این روایت چشم‌پوشی نکرده‌اند.

۱. «دلینا: إجماع الفرقة، و طريقة الاحتیاط، لأن من طاف علی ما قلناه برئت ذمته بلا خلاف، و سقط الفرض عنه.»

۲. «بدلیل الاجماع الماضی ذکره و طريقة الاحتیاط، و یقین لبراءة الذمة، لأنه لا خلاف فی براءة الذمة منه إذا فعل علی الوجه الذی ذکرناه، و لیس علی براءتها منه إذا فعل علی خلافه دلیل.»

۳. رَوَى أَبَانُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الطَّوَّافِ خَلْفَ الْمَقَامِ؟ قَالَ: «مَا أَحِبُّ دَلِکَ وَ مَا أَرَى بِهِ بَأْسًا، فَلَا تَفْعَلْهُ إِلَّا أَنْ لَا تَجِدَ مِنْهُ بُدًّا.»

البته، مطابق با تحقیقی که در ارتباط با سند این روایت صورت گرفت، به نظر می‌رسد به‌آسانی نمی‌توان روایت محمد بن مسلم را کنار گذاشت. از این رو باید بر نحوه دلالت آن و نیز تعارضش با روایت حلبی تمرکز یافت.

همچنین ممکن است گفته شود در روایت حلبی احتمال تقیه وجود دارد. زیرا اهل سنت برای طواف حد خاصی قائل نیستند (وزارت اوقاف، ۱۴۰۴، ج ۲۹: ۱۲۷)؛^۱ اما از نظر شیعیان محدوده مجاز طواف تا مقام ابراهیم^(ع) است. بنابراین امام^(ع)، به جهت تقیه، حکم عدم جواز طواف در خارج از این محدوده را با عبارت «مَا أُحِبُّ ذَلِكَ» بیان کرده‌اند و چون این مطلب برخلاف تقیه بوده است، از آن فقره «وَمَا أَرَى بِهِ بَأْسًا» را از باب تقیه صادر کرده‌اند. از این رو، روایت دلالتی بر جواز طواف در خارج از حد آن (بین مقام ابراهیم^(ع) و خانه کعبه) ندارد (سبحانی، ۱۴۲۴، ج ۴: ۱۰۴).

اما به نظر می‌رسد احتمال تقیه چندان قابل پذیرش نیست. زیرا، در فرض ازدحام جمعیت، به طور طبیعی مکلف نمی‌تواند بین کعبه و مقام ابراهیم^(ع) طواف خود را انجام دهد و مطابق با فقره اخیر روایت حلبی طواف خارج از حد اشاره شده در این صورت بدون اشکال است و اگر ازدحامی هم در کار نباشد نیازی به تقیه و انجام دادن طواف در خارج از حد آن نیست. زیرا به طور طبیعی در فرضی که ازدحام جمعیت وجود ندارد طواف در محدوده بین کعبه و مقام ابراهیم انجام می‌شود.

در داوری نهایی بین دو نظریه مورد گفت‌وگو در ارتباط با حد طواف، به نظر می‌رسد حق به جانب کسانی است که طواف را منحصر به محدوده خاصی نمی‌دانند. زیرا روایت محمد بن مسلم، بر فرض پذیرش سند، معارض با روایت حلبی نیست. توضیح اینکه تأمل در روایت محمد بن مسلم حاکی از این است که امام^(ع) با وجود اینکه محدوده بین کعبه و مقام ابراهیم^(ع) را برای طواف مشخص کرده‌اند در صدد انحصار محدوده طواف به این حد نبوده‌اند به گونه‌ای که جواز طواف فراتر از آن مختص به حالت اضطرار باشد.

به عبارت دیگر امام^(ع)، با پاسخ یادشده به راوی، در صدد بیان ملاک در صدق طواف خانه کعبه برآمده‌اند؛ بدین معنا که با توجه به جمعیت طواف‌کنندگان اگر مکلف می‌تواند به راحتی طواف خود را در محدوده بین کعبه و مقام ابراهیم^(ع) انجام دهد، با وجود این طواف را در فاصله‌ای بیش از این مقدار انجام دهد، طواف‌کننده خانه کعبه محسوب نمی‌شود و مثل کسی است که در حال دور زدن مسجد و نه خانه کعبه است. به عبارت دیگر عرفاً به وی طائف بالبيت صدق نمی‌کند و گویا چنین است که در حال چرخیدن در اطراف مسجد است.

شاهد بر این مطلب، که مراد امام^(ع) منحصر و محدود کردن محدوده طواف نیست، این است که حضرت می‌فرمایند حد طواف در زمان نبی مکرم اسلام^(ص) نیز همین مقدار بوده است و ما به گواهی روایت محمد بن مسلم در فقره «كَانَ النَّاسُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَطُوفُونَ بِالْبَيْتِ وَ الْمَقَامِ» و اسناد تاریخی (صاحب جواهر به نقل از طبری، ۱۴۰۴، ج ۱۹: ۲۹۶) می‌دانیم در عهد رسول گرامی اسلام^(ص) مقام ابراهیم^(ع) در کنار کعبه قرار داشته است و نمی‌توان پذیرفت که مردم در آن زمان به طور دقیق فاصله‌ای را که بین کعبه و مقام ابراهیم^(ع) در زمان امام صادق^(ع) وجود داشته رعایت می‌کرده‌اند؛ چه اینکه اگر این حد فاصل رعایت می‌شد، خود این حد و نیز وسیله‌ای که با آن این حد را مشخص و تعیین می‌کردند در تواریخ و روایات نقل و ثبت می‌شد.

بنابراین باید گفت مراد حضرت این بوده که حد طواف در آن زمان و زمان ایشان یکی است و تفاوتی ندارد و ملاک این است که مکلف طواف‌کننده خانه کعبه به حساب آید و اگر حضرت حدی را تعیین کرده از باب بیان حد صدق این عنوان در عصر تشریح و زمان خودشان بوده است.

از این رو، آنچه باید ملاک قرار گیرد رعایت نزدیک‌ترین فاصله ممکن به کعبه در طواف توسط مکلف است و قطعاً، در زمان عدم ازدحام، طواف فقط در حد فاصل بین کعبه و مقام ابراهیم^(ع) صحیح است. چون در فرض اشاره شده فقط با انجام دادن طواف در این حد بر مکلف طواف‌کننده خانه کعبه صدق می‌کند. بنابراین، هر اندازه بر جمعیت طواف‌کنندگان افزوده شود به طور طبیعی

۱. «مكان الطواف هو حول الكعبة المشرفة داخل المسجد الحرام قريبا من البيت أو بعيدا عنه، فلو طاف من وراء مقام إبراهيم عليه السلام، أو من وراء حائل كمنبر أو غيره كالأعمدة، أو على سطح المسجد الحرام أجزاء ذلك، لأنه قد حصل حول البيت ما دام ضمن المسجد وإن وسع المسجد، ومهما توسع ما لم يبلغ الحل عند الجمهور، لكن خصت المالكية الطواف بالسقائف بصورة الزحام.»

فاصله طواف‌کننده‌ای که در انتهای جمعیت قرار می‌گیرد از کعبه بیشتر می‌شود و حتی ممکن است طواف او بیرون از حد فاصل اشاره شده انجام گیرد. اما، با توجه به اینکه در این صورت نیز بر او طواف‌کننده خانه کعبه صادق است، طوافش صحیح و بدون اشکال است. به عبارت دیگر امام^(ع) با این بیان درصدد تأیید فهم عرف از طواف است و اینکه صدق عرفی محدوده طواف مورد تأیید شرع قرار دارد.

اشکال

ممکن است گفته شود، با توجه به رد احتمال تقیه در روایت حلبی، چرا در این روایت طواف در محدوده پشت مقام ابراهیم^(ع) جایز شمرده شده است، درحالی که طبق روایت محمد بن مسلم بر طواف‌کننده در این محدوده طواف‌کننده خانه کعبه صادق نیست؟

جواب

در پاسخ باید گفت مراد امام^(ع) از جمله «وَمَا أَرَىٰ بِهِ بَأْسًا» فقط نفی اشکال از طوافی است که در خارج از محدوده انجام می‌شود؛ بدین معنا که مکلف با انجام دادن آن کار حرامی را مرتکب نشده است و حضرت درصدد تصحیح آن نیست. بنابراین، اگر مکلف با وجود اینکه می‌تواند بین کعبه و مقام ابراهیم^(ع) طواف را انجام دهد در خارج از این محدوده طواف کند، طوافش بیهوده و باطل است. زیرا، مطابق با روایت محمد بن مسلم، طواف‌کننده خانه کعبه محسوب نمی‌شود. اما، در عین حال، کار حرامی انجام نداده است. با این بیان روشن می‌شود: اولاً عبارت «مَا أَحِبُّ دَلِك» گرچه ظهور ابتدایی در عدم مشروعیت و عدم صحت طواف در خارج از محدوده دارد، فقره «وَمَا أَرَىٰ بِهِ بَأْسًا» که در ادامه آمده قرینه متصله‌ای است که بیان می‌کند طواف اشاره شده عمل حرام و غیر مشروعی نیست. نتیجه اینکه دو فقره با هم بر عدم صحت چنین طوافی دلالت دارد. ثانیاً نهی از عدم انجام دادن طواف در خارج از محدوده (فَلَا تَقْعَلُهُ) نهی ارشادی است که حاکی از عدم صحت طواف در خارج از محدوده در حال اختیار و تأکیدی بر بی‌فایده بودن آن است. ثالثاً روایت حلبی تعارضی با روایت محمد بن مسلم ندارد و ملاک در صحت طواف صدق طواف‌کننده خانه کعبه بر مکلف است. از این رو مکلف در زمان عدم ازدحام و امکان طواف در محدوده نباید خارج از آن طواف را انجام دهد. چون طواف‌کننده خانه خدا محسوب نشده و عمل باطل و بیهوده‌ای را انجام داده است.

اشکال

ممکن است گفته شود دو روایت محمد بن مسلم و حلبی با یکدیگر در تعارض‌اند. زیرا روایت محمد بن مسلم صریح است در اینکه طواف در خارج از محدوده جایز نیست؛ درحالی که روایت حلبی ظهور دارد در اینکه انجام دادن طواف خارج از محدوده بدون اشکال است. از این رو در حل تعارض یا باید بین دو روایت را جمع کنیم و قائل شویم طواف در خارج از محدوده مکروه است یا به جهت صراحت روایت محمد بن مسلم در عدم جواز از روایت حلبی چشم‌پوشی کنیم.

جواب

در پاسخ می‌توان گفت وجود تعارض بین دو روایت یادشده را در صورتی می‌توان پذیرفت که بپذیریم کلام امام^(ع) در روایت محمد بن مسلم ظاهر در تعیین حد خاص برای طواف یا صریح در آن است. اما اگر، به دلیل قرائنی مثل یکسان بودن حد طواف در زمان پیامبر اکرم^(ص) و زمان امام صادق^(ع) که در کلام امام^(ع) بیان شده و توجه به این نکته که مقام ابراهیم^(ع) در عهد پیامبر اکرم^(ص) در کنار کعبه قرار داشته، روایت محمد بن مسلم در تعیین حد برای طواف ظهور نیابد یا حداقل ظهور در تعیین حد مورد تردید قرار گیرد، دیگر نمی‌توان دو روایت را متعارض با یکدیگر دانست، بلکه روایت حلبی تأییدی بر مضمون روایت محمد بن مسلم محسوب می‌شود.

توضیح بیشتر اینکه فقره «فَمَنْ طَافَ فَتَبَاعَدَ مِنْ نَوَاحِيهِ أَكْثَرَ مِنْ مَقْدَارِ ذَلِكَ كَانَ طَائِفًا بَغَيْرِ الْبَيْتِ» از کلام امام^(ع) در تبیین ملاک صحت طواف ظهور دارد، بدین معنا که بیان می‌کند علت بطلان طواف در نواحی دورتر از مقدار کعبه تا مقام ابراهیم^(ع) و بیرون از این حد صدق عنوان «طائف بغیر البیت» بر طواف‌کننده است و صرفاً به دلیل اینکه بیرون از حد طواف را انجام داده

طوافش باطل نیست. نتیجه اینکه اگر مکلف حتی در خارج از این مقدار هم طواف کند، اما بر او این عنوان صادق نباشد، طوافش صحیح است و باطل و بیهوده نیست و این در فرضی ممکن است که جلوی او تا خانه کعبه از طواف کننده خالی نباشد. پس مادامی که جمعیت طواف کنندگان مکلف را در فاصله‌ای بیش از مقدار فاصله کعبه تا مقام ابراهیم^(ع) قرار دهد و به عبارت دیگر مکلف در انتهایی‌ترین حلقه طواف و دورترین فرد از جمعیت طواف کننده به کعبه است، مصداق «طائف بغیر البیت» نیست. از این رو نمی‌توان به بطلان طواف او حکم کرد.

ممکن است گفته شود گرچه روایت محمد بن مسلم در بیان ملاک ظهور دارد، امام^(ع) در همین روایت در فقره «فَكَانَ الْحَدُّ مِنْ مَوْضِعِ الْمَقَامِ الْيَوْمَ فَمَنْ جَاَزَهُ فَلَيْسَ بِطَائِفٍ» در صدد تطبیق ملاک اشاره شده نیز برآمده و فرموده‌اند هر کس در فاصله دورتر از مقدار کعبه تا مقام ابراهیم^(ع) طواف کند «طواف کننده بیت» نیست و مصداق «طائف بغیر البیت» است.

در پاسخ می‌توان گفت این سخن در صورتی قابل پذیرش است که موضع مقام ابراهیم^(ع) در زمان پیامبر اکرم^(ص) و زمان امام صادق^(ع) یکی باشد. اما وقتی روایت تصریح دارد به اینکه در عهد نبی مکرم اسلام^(ص) مردم بر گرد کعبه و مقام طواف می‌کرده‌اند و از طرف دیگر بیان می‌کند که حد طواف در آن زمان با زمان امام^(ع) تفاوتی ندارد فهمیده می‌شود که حد بین کعبه و مقام ابراهیم^(ع) حدی است که در عصر تشریح و زمان امام صادق^(ع) «طواف بالبیت» صدق می‌کرده یا حد طواف در هنگامی است که ازدحامی در کار نیست. شاهد بر این مطلب اینکه در روایت حلبی امام^(ع) می‌فرماید پشت مقام ابراهیم^(ع) مادامی که ناچار نشدی طواف نکن. این سخن بدان معناست که اگر مکلف با جمعیت طواف کنندگان روبه‌رو شد، طوری که محدوده گردش او به دور خانه کعبه در بیرون از حد یادشده قرار گرفت، طوافش صحیح است. زیرا مصداق «طائف بغیر البیت» نیست. نه اینکه با وجود اینکه مصداق «طائف بغیر البیت» است از باب اضطرار طوافش صحیح است. چون اضطرار حکم عدم صحت را برمی‌دارد، اما توان تصحیح موضوع را ندارد؛ و وقتی موضوع طواف صادق نباشد فرقی بین حالت اختیار و اضطرار نیست.

علاوه بر این طبق این فرض ممکن و قابل تصور است که مردم در عصر تشریح در فاصله بیش از فاصله کعبه تا مقام در زمان امام صادق^(ع) طواف کرده باشند. زیرا وسیله مشخصی برای اندازه‌گیری وجود نداشته و در روایات و تاریخ نقل نشده و در این باره از نبی مکرم اسلام سؤالی پرسیده نشده است؛ درحالی که اگر رعایت دقیق این مقدار به دلیل وجود تعبد خاصی در این مسئله بود باید حد دقیق طواف از پیامبر اکرم^(ص) مورد سؤال قرار می‌گرفت و همین نشان‌دهنده آن است که امام^(ع) در صدد تعیین حد دقیق طواف نبوده‌اند، بلکه صرفاً حد طوافی که در زمان خودشان مصداق طواف خانه کعبه محسوب می‌شده یا حدی که این عنوان (طواف کعبه) با نبود ازدحام صادق است را بیان کرده‌اند، نه انحصار حد طواف. و اثبات انحصار از کلام امام^(ع) نیازمند دلیل است که وجود ندارد و بلکه برخلاف آن دلیل وجود دارد.

نتیجه اینکه با این بیان ظهوری برای روایت محمد بن مسلم در تعیین حد محقق نمی‌شود تا با روایت حلبی در تعارض قرار گیرد و دو روایت مورد گفت‌وگو بیانگر یک مطلب خواهند بود و آن اینکه ملاک در صحت طواف صدق عرفی عنوان طواف کننده خانه کعبه بر مکلف است و مکلف در شرایط معمولی، که امکان طواف به دور خانه کعبه با حداقل فاصله از آن را دارد، نباید در فاصله بیشتر از کعبه طواف کند. زیرا کار بیهوده‌ای انجام داده و طواف کننده خانه کعبه بر او صادق نیست.

مقتضای اصل عملی در مسئله

با قطع نظر از روایات مورد استناد در مسئله یا با فرض خدشه در دلالت یا سند دو روایت، چنانچه دست فقیه از ادله اجتهادی کوتاه باشد، ناچار باید در تعیین حکم مسئله به اصل عملی رجوع کند. بنابراین سؤالی که در این ارتباط مجال طرح می‌یابد این است که مرجع فقیه در تعیین حکم طواف در خارج از حد آن، یعنی طوافی که در محدوده بعد از مقام ابراهیم^(ع) انجام شود، کدام اصل عملی است؟

مطابق با آنچه از ادله مشهور گذشت، آنان معتقدند وظیفه مکلف احتیاط و انجام دادن طواف در محدوده است. زیرا مکلف یقین به اشتغال ذمه‌اش به انجام دادن طواف دارد و اگر در خارج از حد مورد گفت‌وگو طواف را انجام دهد، یقین به برائت ذمه نمی‌یابد. درحالی که طواف در محدوده موجب یقین به برائت ذمه از تکلیف است. البته با تمسک به این اصل اثبات نمی‌شود طواف در خارج از محدوده باطل است، بلکه فقط یقین به ادای تکلیف و برائت ذمه حاصل نمی‌شود.

اما به نظر می‌رسد مسئله از باب دوران امر بین اقل و اکثر ارتباطی است که اکثر (طواف با رعایت همه شروط و در محدوده خاص) مورد تردید است و از طرفی اقل (طواف با شرایط خاص و بدون محدودیت در حد خاص) یقینی است. از این رو نسبت به اکثر برائت جاری می‌شود.

نتیجه

در ارتباط با محدوده طواف دو نظریه وجود دارد. برخی از فقها محدوده طواف را بین کعبه و مقام ابراهیم^(ع) دانسته‌اند. اما برخی دیگر برای طواف حد خاصی قائل نشده‌اند. قائلین نظریه اول برای اثبات این نظریه به روایت محمد بن مسلم، اجماع فقها، و قاعده احتیاط تمسک کرده‌اند. در مقابل، کسانی که معتقدند طواف حد خاصی ندارد برای اثبات نظر خود به روایت صحیح حلبی تمسک کرده‌اند. با توجه به مدرکی بودن اجماع و مؤخر بودن تمسک به اصل عملی از ادله اجتهادی، مستند دو قول در دو روایت محمد بن مسلم و حلبی منحصر می‌شود. در داوری بین دو قول به نظر می‌رسد حق به جانب فقیهانی باشد که معتقدند طواف محدوده خاصی ندارد. آنان در واقع معتقدند بین این دو روایت تعارضی نیست و ماحصل دو روایت محمد بن مسلم و حلبی چنین می‌شود که مکلف باید در نزدیک‌ترین فاصله ممکن به کعبه طواف خود را انجام دهد و هنگام طواف و در حال اختیار و عدم ازدحام به مقداری از طواف‌کنندگان فاصله نگیرد که عرفاً بر او طواف‌کننده خانه کعبه صادق نباشد. بنابراین اگر جمعیت فراوانی بر گرد خانه کعبه در حال طواف باشند، به گونه‌ای که مکلف ناچار شود پشت مقام ابراهیم^(ع) و حتی دورتر طواف را انجام دهد، درحالی که به صفوف طواف متصل است، اشکالی ندارد و لازم نیست خود را به زحمت اندازد و در حد فاصل کعبه و مقام و در ازدحام جمعیت طوافش را انجام دهد. همچنین اگر اطلاق آیه شریفه پذیرفته شود، این مضمون تقییدی بر آن اطلاق خواهد بود.

منابع

- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. ج ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن براج، قاضی عبد العزیز (۱۴۰۶ ق). *المهذب*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن زهره، حمزه بن علی (۱۴۱۷ ق). *غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع*. قم: مؤسسه امام صادق^(ع).
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*. ج ۳. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
- افتخاری، علی (۱۴۲۸ ق). *آراء المراجع فی الحج*. ج ۲. تهران: مشعر.
- حائری مازندرانی، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۶ ق). *منتهی المقال فی احوال الرجال*. قم: مؤسسه آل البيت.
- حسینی شاهرودی، سید محمود (۱۴۰۲ ق). *کتاب الحج*. قم: مؤسسه انصاریان.
- خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق). *کتاب العین*. ج ۲. قم: هجرت.
- خویی، سید ابوالقاسم (بی تا). *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرجال*. بی جا: بی نا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: بی نا.
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۴ ق). *الحج فی الشریعه الاسلامیه الغراء*. قم: مؤسسه امام صادق.
- شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق). *من لایحضره الفقیه*. ج ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- صاحب جواهر، محمد حسن (۱۴۰۴ ق). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. ج ۷. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- صافی، لطف الله (۱۴۲۳ ق). *فقه الحج*. ج ۲. قم: مؤسسه حضرت معصومه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ش). *المبسوط فی فقه الامامیه*. ج ۳. تهران، المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
- _____ (۱۴۰۰ ق). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتوی*. ج ۲. بیروت: دار الکتب العربی.
- _____ (۱۳۶۵ ش). *تهذیب الاحکام*. ج ۴. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- _____ (۱۴۰۷ ق). *الخلافا*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ ق). *منتهی المطلب*. مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه.
- _____ (۱۴۱۴ ق). *تذکره الفقهاء*. قم: مؤسسه آل البيت.
- محقق اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ ق). *مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۲۰ ق). *الوجیزه فی الرجال*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا). *تحریر الوسيله*. قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
- موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ ق). *مدارک الاحکام فی شرح شرایع الاسلام*. بیروت: مؤسسه آل البيت.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ ق). *رجال النجاشی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- وزارت الاوقاف و الشؤون الدینیة (۱۴۰۴ ق). *الموسوعه الفقهیة الكويتیة*. کویت: وزارت اوقاف.
- Allameh Helli, Hasan ibn yusuf (1991). *Al-Muntaha al-Matlab*. Mashhad: Islamic Research center.
- Eftakhari, A. (2007). *Araa al-Maraje' fi al-Hajj (Opinions of Scholars on Hajj)*. Tehran: Nashr Mash'ar. (in Persian)
- Haeri Mazandarani, M. I. (1995). *Muntaha al-Maqal fi Ahwal al-Rijal*. Qom: Ahl al-Bayt Institute. (in Persian)
- Hosseini Shahrudi, S. M. (1982). *Kitab al-Hajj*. Qom: Ansarian Institute. (in Persian)
- Ibn Barrag, Q. A. (1985). *Al-Muhadhdhab*. Qom: Islamic Seminary Publishing Office. (in Persian)
- Ibn Idris Hilli, M. b. M. (1990). *Al-Sara'ir al-Hawi li Tahrir al-Fatawi*. Qom: Islamic Seminary Publishing Office. (in Persian)
- Ibn Manzur, M. b. M. (1993). *Lisan al-Arab*. Beirut: Dar al-Fikr. (in Arabic)
- Ibn Zuhra, H. b. A. (1996). *Ghaniyat al-Nuzu' ila 'Ilm al-Usul wa al-Furu'*. Qom: Imam Sadiq Institute. (in Persian)
- Khaleel b. Ahmad (1990). *Kitab al-Ain*. Qom: Hijrat Publishing. (in Arabic)
- Khoei.Sayyid Abul-Qasim (n.d). *Mujam Rijal al Hadith wa Tafsil Tabaqat al-Rijal*. Qom: Al-Bayt Institute.
- Majlisi, M. B. (2000). *Al-Wajiza fi al-Rijal*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. (in Persian)
- Ministry of Awqaf and Islamic Affairs (1984). *Al-Mawsu'a al-Fiqhiyya al-Kuwaytiyya (Kuwaiti Encyclopedia of Jurisprudence)*. Kuwait: Ministry of Awqaf. (in Arabic)

- Muhaddith Ardabili, Ahmad ibn Muhammad (1403 AH). *Majma' al-faidah wa al-Burhan fi sharh Irshad al-Azhan*. Qom: Islamic Seminary Publishing Office.
- Mousavi Ameli, M. b. A. (1990). *Madarik al-Ahkam fi Sharh Shara'i al-Islam*. Beirut: Ahl al-Bayt Institute. (in Persian)
- Mousavi Khomeini, R. (n.d.). *Tahrir al-Wasila*. Qom: Dar al-'Ilm Press. (in Persian)
- Najashi, A. b. A. (1987). *Rijal al-Najashi*. Qom: Islamic Seminary Publishing Office. (in Persian)
- Raghib al-Isfahani, H. b. M. (1991). *Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an*. Beirut: n.p. (in Arabic)
- Safi, L. (2002). *Fiqh al-Hajj (Jurisprudence of Hajj)*. Qom: Hazrat Masoumeh Institute. (in Persian)
- Subhani, J. (2003). *Al-Hajj fi al-Shari'a al-Islamiyya al-Ghara'a (Hajj in the Islamic Law)*. Qom: Imam Sadiq Institute. (in Persian)
- Sheikh Saduq, Muhammad ibn Ali (1413 AH). *Manla yahduruhu al-Faqih*. Second edition. Qom: Islamic Seminary Publishing Office.
- Shaikh Jawahir, Muhammad Hasan (1404 AH). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharai al-islam*. Seven edition. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Tusi, M. b. H. (2009). *Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyyah*. Tehran: Al-Maktaba al-Murtazawiyya. (in Persian)
- (1979). *Al-Nihaya fi Mujarrad al-Fiqh wa al-Fatwa*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. (in Persian)
- (1987). *Tahdhib al-Ahkam*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. (in Persian)
- (1994). *Al-Khilaf*. Qom: Islamic Seminary Publishing Office. (in Persian)